

تکیه تمام و کمال بر توده ها و ساختن یک پایه توده ای وسیع عاجز ماندیم.

ما اکنون صراحتاً می بینیم که اعتقادی به توده های قهرمان دهقانان نداشتیم، توده هایی که به تندی توفان خود را سازمان دادند، کمیته های انقلابی دهقانان را تشکیل دادند، ده وظیفه بزرگ را تمام کردند و مبارزه طبقاتی را بسرعت در طول دوره آوریل تا سپتامبر ۱۹۶۷ پیش بردند. مادرك نكردیم این مردمنكده تاریخ را می سازند، آنها قهرمانان واقعی هستند، مردم می توانند خود را سازمان دهند و می توانند با شیوه کاملاً نوین خویش همه را میبوهت نمایند. ما عاجز از درك این مسئله بودیم که رفقایمانند تریبینی کانو، "سبحان علی"، "بارکامجه"، "بابولال بیسوا - کارماکار" و ده زن دهقان ناگزیر الباری قهرمانان و سازمان دهندگان واقعی هستند، بدین ترتیب ما از حرکت بجلو بازماندیم.

اگرچه ما مکرراً در حرف این مسئله را در طول دوره آوریل تا سپتامبر ۱۹۶۷ قبول کردیم، با این وجود در واقعیت، ما یعنی رهبری خرده بورژوازی، خودمان را به مردم تحمیل نمودیم. هر زمان که توده های دهقانی ابتکار عمل را بدست گرفتند و میخواستند کاری بکنند، ما که منشاء خرده بورژوازی داشتیم، با آنان مخالفت کردیم. علت این است که مانده فهمیدیم و نه هرگز سعی نمودیم اعمال توده را درك کنیم. بعکس، تحت نفوذ عادات رویزیرو - نیستی کهنه، برای پیشروی آنها محدودیت قائل شدیم. این مسئله منجر به عقیم ماندن ابتکار عمل توده ها و نگذردن تیغه مبارزه طبقاتی گردید. بخاطر کار در یک حزب رویزیونیستی مابه قوانین و میثاق های بورژوازی عادت کرده بودیم و بنابراین سعی نمودیم توده ها را متقاعد کنیم چه چیزی درست و چه چیزی غلط است. از این رو زمانیکه مردم میخواستند به پلیس حمله برند، ما آنها را بر اساس اینکه صدمات سنگین خواهد بود مانع میشدیم. ما از زاویه اومانیسیم بورژوازی به طرز برخورد مردم با جوتو دارها و پلیس نگاه میکردیم. در نتیجه، از سازمان دادن توده های بسیار، که بیش از ۴۰۰۰۰ شمارش شدند، و ما ماندیم، و بدین ترتیب در طول آوریل و مه ۱۹۶۷ ناتوان از بنای پایه توده ای قدرت مند بودیم.

بنابراین در طول مرحله دوم مبارزه -

مان، تصمیم گرفتیم که باید خودمان را نیازها و امیال مردم پیوند دهیم، با عشق و احترامی بی پایان در قدامت سوی مردم برویم و خودمان را با آنها یکی کنیم. باید از آنها بیاموزیم و دوباره طی عمل در سها رابه آنها برگردانیم. به سخن دیگر، ما نباید چیزی را از بالایا تحمیل کنیم. اشتباهات تی ممکن است بخاطر این مسئله بوجود آید، اما امکان تصحیح چنان اشتباهات وجود دارد. مهمترین مسئله اینست - هرگز اجازه ندهید ابتکار عمل توده ها منکوب شود. وظیفه ما رشد و توسعه ابتکارات آنها است.

نادیده گرفتن امور نظامی و سبک کهنس اندیشیدن

مبارزه دهقانان قهرمان بخش فرعی سیلیگری جنبشی برای تحقق خواسته های معینی به همان مفهوم قدیمی نبود. این مبارزه ای برای برقراری قدرت نوین سیاسی، قدرت دهقانان در روستاها، بعد از محو فئودالیسم در آنها، بسود. از این رو ما دلایل شکست خود در این مبارزه را هم از نقطه نظر سیاسی و هم نظامی مورد بحث قرار می دهیم. صدرمائو بمامی آموزد: "تمامی مرتجعین ببر کاغذی هستند. اما مرتجعین در ظاهر وحشت می آفرینند، اما در واقعیت آنان چندان قوی نیستند. در طولانی مدت این مردم هستند که واقعاً نیرومندی باشند و نه مرتجعین." اگر، در هر مبارزه ای، از نظر سیاسی در توان دشمن غلو شود، کسب پیروزی در آن مبارزه هرگز ممکن نخواهد بود. به سخن دیگر، از نقطه نظر استراتژیکی، اگر ما جسارت و استواری لازم برای شکست دشمن را نداشته باشیم بطور اجتناب ناپذیری با شکست روبرو می شویم. اگر ما از درك این مسئله عاجز بمانیم که در تحلیل نهایی این مردم هستند که نیرومند می باشند، قادر به کسب پیروزی در هیچ مبارزه ای نخواهیم بود. این آگاهی است که استواری را برای مبارزه بیارمی آورد، آدم را بدون ترس به بزرگترین جانفشانیها برمی انگیزد و می آموزد که برای کسب پیروزی باید هر نوع سختی را تحمل کرد. ما معتقد بودیم که آموزش مانو را جذب کرده ایم، اما مسیر مبارزه ما فهماند که درك ما چقدر سطحی است. امروز شرکت مداوم ما در مبارزه هر روز که می گذرد این احساس

را با ما می دهد که این آموزه صدرمائو باید هر روز و هر لحظه از نور درك شود و این درك باید از طریق پراتیک خودمان به آزمون گذاشته شود. روزی که این درك بعمل در آید، قادر خواهیم شد توان بس غلو آمیز نیروهای مسلح حکومت مرتجع هند را درهم شکنیم و بدون واهمه از هرمانعی به بیش حرکت کنیم.

رویاروئی با پلیس در ۲۴ و ۲۵ مه ۱۹۶۷، و قدم پیش گذاشتن بدون واهمه مردم در طول و بعد از به کلوله بستن زنان بی سلاح دهقان توسط پلیس، و قهرمانیهای بیشمار و از خود گذشتگی رفقا "تریبینی کانو"، "سبحان علی"، "بارکامجه" را چگونه می توانیم توضیح دهیم بجز بوسیله این حقیقت که آنها تجلیات آن درك هستند؟ و ما بامنشا، خرده بورژوازی از تشخیص این امر عاجز ماندیم و بنابراین، در زمانهایی با قدرت دشمن را بر بهادادیم و یادست کم گرفتیم.

ما در اولین مرحله مبارزه توان دشمن را دست کم گرفتیم و به همه چیز به طریق قدیم فکر کردیم، و بخاطر نبودن درك حزب رویزیونیستی در خیالات بیهوده رها شدیم. گاهی تصور کردیم که "جبهه متحد زیاد نمی تواند جلو برود یا اینکه برایش مشکل خواهد بود که زیاد جلو برود." از یکسو، از یک نقطه نظر صرفاً خرده بورژوازی به رویزیونیستها نگاه می کردیم، در حالیکه از سوی دیگر توان دشمن را دست کم گرفتیم و مردم را در مواجهه با دشمن بدون آمادگی نگه داشتیم، یعنی با توجه به تدابیری که دشمن محتملاً اتخاذ می کرد مردم را آماده نکردیم. این هیچ چیز نیست جز یک طرز برخورد رویزیونیستی. دوباره، زمانیکه مردم آغاز حمله به دشمن بودند، ما به توان دشمن برسبها دادیم و ذهنیکر ایانه اثرات احتمالی چنان حملاتی را بزرگ کردیم. مردم مصمانه جنگیدند و قهرمانان نمونه ای خلق نمودند که ما قهرمانی آنان را حقیر شمردیم. در نتیجه، مردم با روبرو شدن با ترور گسترده خود را درسی نظمی و درم برهنی یافتند، از شدت مبارزه کاسته شد و فرار طلبی بالا گرفت. رفیق "بابولال بیسوا - کارماکار" با فدا کردن جان خود در ۷ سپتامبر امسال به ما امر کرد در امتداد راهی که بوسیله صدرمائو ترسیم شده پیشروی کنیم.

این مبارزه ایست برای گرفتن قدرت

در تشکیل گروههای چریکی یا گروه چریکی مرکزی باید نهایت تأکید را بر روی جایگاه طبقاتی گذاشت. مابۀ این درک رسیده ایم که تنها دهقانان فقیر و میانۀ - حال باید پایه تشکیل گروههای چریکی باشند.

شکست ما در برقراری قدرت سیاسی انقلابی و انجام اصلاحات ارضی انقلابی، تیغۀ مبارزه طبقاتی را در طول و بعد از مبارزه گُند کرد. دهقانان انقلابی از طریق بسیج توده ای دو وظیفه را به انجام رساندند. آنها عبارتند از: تشکیل کمیته های دهقانی انقلابی مرکزی و منطقه ای و تقسیم زمین. و ماد فیقا این دو چیز را تبدیل به تشریفات تریب امر کردیم، تخیلات خرده بورژوازی ماریشه این کار بود. هرگز بطور جدی توجه نکردیم چقدر این دو وظیفه مهم میباشند.

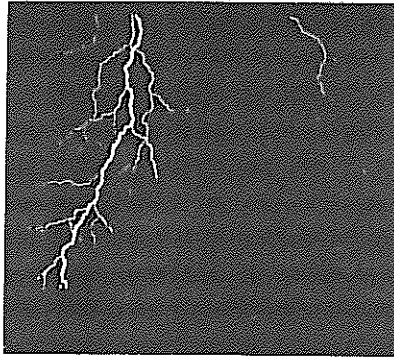
اگر ما با این دو وظیفه بطور جدی برخورد کرده بودیم و یک کارزار توضیح سیاسی در میان توده هاب سر ازمیت آنان انجام داده بودیم، اگر ما قادر بودیم ابتکار عمل مردم را رانده ایم و در انجام این وظایف بوسیله آموزش مردم شرکت می - جستم، آنها برای مدت های طولانی دستاورد هائی که خودشان طی مبارزه کسب کردند را بخاطر میسر دند و برای حفظ این دستاوردها مصمانه جنگ میکردند.

در خصوص تقسیم زمین، سیاست ما مصادره کامل زمینها و تقسیم آن بطور کامل بود.

مابۀ این کار نیز ازمیت ندادیم. در نتیجه در موارد بسیاری دهقانان غنی تحت بهانه های گوناگون از عملی شدن این وظیفه ممانعت کردند. در موارد بسیار دیگری، بخش فوقانی دهقانان میانه حال، در مواردی که در رهبری قرار داشت، موفق گردیدند تا کید بر روی مصادره زمین را بسوی یورش بخانه های جوته دارمانحرف سازد، و بدین ترتیب این کار را از ازمیتش تهی کرد. با ز در مواردی تضاد حادی بر سر امر تقسیم زمین، میان دهقانان فقیر و میانۀ حال در گرفت.

علیرغم تمام این اشتباهات، مردم قهرمانانه مشغول دفاع از ثمرات آنچه طی مبارزه شان کسب کردند، بوده اند.

بنابراین، ما تصمیم گرفتیم که از ده وظیفه بزرگ دهقانان می باید بزرگترین اهمیت را به دو وظیفه فوق الذکر داده آنها را بسلاهی در امر تبلیغمان بدل نماییم.



است.

آنچه ما از مبارزه دهقانان تراشی آموختیم اینست که باید عمیقاً تئوریهای سیاسی و نظامی صدر ما را مطالعه کنیم، آنها را در پراکتیک بکار بندیم و بعد دوباره مورد مطالعه شان قرار دهیم. بزرگترین مسئولیت ما چیدن ترتیباتی برای رفقای کارگر و دهقان جهت مطالعه اندیشه صدر ما شوم می باشد.

بعلاوه، از تجربه مبارزه مان آموختیم گروههای مسلحی که بعد از برانگیختن مردم در روستاها و مسلح کردنشان تشکیل شدند، گروههای دفاع روستاها خواهند شد. ما باید علم جنگ چریکی را از طریق مسلح کردن دهقانان با سلاحهای سنتی (تیر، کمان و نیزه و غیره) و بوسیله سازماندهی حملات بردشمان طبقاتی بدست آوریم.

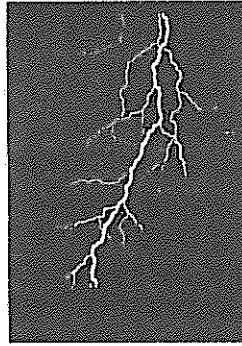
ما باید بوسیله تشکیل گروههای چریکی دهقانی و پیشبرد فعالیت آنان مناطق آزاد - شده را به تدریج بنا کنیم. اگر ما همزمان در ساختن مناطق آزاد شده پشتکار بیخبر ندهیم، تشکیل گروههای چریکی و تسدوم مبارزه آنان در طولانی مدت امکان نخواهد داشت. باید این حقیقت را بخاطر بسپاریم که تنها مناطق آزاد شده یا آن نواحی که میتوانند به مناطق آزاد شده تبدیل شود پشت جبهه چریکها را تشکیل میدهد. باید حداکثر تأکید را بر روی ساختن یک نیروی مسلح خلق بگذاریم. بسرای ساختن نیروی مسلح خلق باید گروههای سازمان یافته متمرکز از چریکهای مسلح تشکیل دهیم. ما معتقدیم، اینان نطفه های نیروی مسلح خلق خواهند شد.

در برخی مناطق دیگر، ممکن است دوباره سعی کنیم قیامهای مسلح دهقانان را سازمان دهیم و با شرکت دادن آن دهقانانی که در قیام بیباخاستند نیروی مسلح خلق را بنا سازیم.

دولتی، و چنان مبارزه ای ازمایی طلبد تا به بالا ترین حد، حزب مردم را از نظر نظامی آماده نماییم. صدر ما شوم می آموزد: "بدون ارتش خلق، مردم هیچ ندارند." ما از طریق مبارزه در تراشی به درک درستی این آموزه صدر ما شوم رسیده ایم. با وجود آنکه می دانسته ایم همینکه مبارزه آغاز شود با سرکوب حکومت مرکزی و رهبران ارتجاعتی حکومت جبهه متحد بنکال غربی رو برو میشویم، ما با ساز اتحاد برنامه عمل که می بایست سر انجام اتحاد میشد بازماندیم. مادک غلطی از آموزه صدر ما شوم داشتیم، بدین جهت دفاع استراتژیک را به دفاع منفعل تبدیل کردیم.

زمانیکه همه جمعیت خود را مسلح نمود، جوته دارها، افراد شرو و کسانیکه دارای منافع مقررۀ بودند از روستاها فرار کردند؛ مانتیجه گرفتیم که مناطق پایکا سی بوجود آورده ایم. مابۀ اشتباه مردم مسلح را بجای نیروی مسلح گرفتیم و تاکتیک مقاومت و حمله بوسیله بسیج توده ای را بعنوان تاکتیک اصلی مبارزه مان اتخاذ کردیم. یک یاد و گروه کوچک مسلح که برای به چنگ آوردن تفنگ از جوته - دارها تشکیل شده بود را بعنوان ابزار عمده مبارزه تشخیص ندادیم. بعکس پنداشتیم که گروههای چریکی عاقبت بر پایه عملیات خود بخودی توده های وسیع سر بیرون خواهد کرد. در موارد بسیاری، بوسیله جلوه تب و تاب انقلابی و لکردان فریب خوردیم و آنها را بعنوان رهبران سازماندهی گروههای مسلح انتخاب نمودیم. دوباره، زمانیکه دهقانان غنی مسلح و بخشی از جوته دارهای کوچک را در کنار دهقانان فقیر و میانۀ حال مسلح دیدیم نتیجه گرفتیم که آنها به اتفاق هم نیروی متحد مسلح تمام دهقانان را تشکیل میدهند. ما بطور کلی فراموش کردیم دهقانان غنی و آن بخش جوته دارهای کوچک میتوانند در اولین فرصت بسوی دشمن بگریزند. ما در مسیر مبارزه آموختیم تعداد اندکی از دهقانان غنی و خرده مالکین ممکن است شرکت فعالی در مبارزه بزرگی که در حال خروش بود داشته باشند، اما همینکه ترور ضد انقلابی شروع گردد این عده به کسب دشمن گریخته و ترس را در میان دهقانان فقیر و میانۀ حال پخش خواهند کرد. خلاصه نادانی مطلق ما از امور نظامی علت ریشه ای عقبگرد موقت در مبارزه ما

تندر بهاری بر فراز هند



مقاله ذیل بعنوان سرمقاله در ۵ ژوئن ۱۹۶۷ در روزنامه مردم ارگان حزب کمونیست چین درج گردیده. حزب کمونیست چین در آن زمان تحت رهبری پرولتری رفیق مائو - تسه دون قرار داشت - ج. ب. ف.

هند است که هیچ نیروئی بر روی زمین نمی تواند آنرا مانع شده و عقب نهدارد. اتخاذ راه انقلاب هند يك مسئله بنيادی است که بر موفقیت یا شکست انقلاب و سرنوشت ۵۰۰ میلیون مردم هند تأثیر دارد. انقلاب هند بایدها تکیه به دهقانان، برقراری مناطق پایگاهی در روستاها، ایستادگی در مبارزه مسلحانه طولانی مدت، استفاده از روستاها برای محاصره و بالاخره گرفتن شهرها بر گز - بند، این راه میاوسته دون است، راهی که انقلاب چین راه پیروزی رهنمون کرد. تنها راه پیروزی برای انقلاب تمامی ملل و خلقهای تحت ستم می باشد.

چهل سال پیش رهبر کبیرمان صدر مائوتسه دون اظهار داشت: در اندک زمانی صد میلیون دهقان در استانهای مرکزی، جنوب و شمالی چین چون طوفانی سهمگین، چون گردبای تند، بانیری بس قدرتمند و سرکش بپا خواهند خاست و هیچ قدرتی راهم قدرم که عظیم باشد، بیارای بازداشتن آنها نخواهد بود. آنها تمام زنجیرهایی که دست و پایشان را بسته است، خواهند گسست و در شاهراه آزادی به پیش خواهند شناخت. آنها تمام امیر - یالیستها، دیکتاتورهای نظامی، مأمورین فاسد و مختلس، مستبدین محلی و متنفذین شریر راه گور خواهند سپرد.

صدر مائو سالها پیش صراحتاً اشاره نمود که مسئله دهقانی مکانی بس مهم در انقلاب خلق را اشغال می کند. دهقانان نیروی اصلی را در انقلاب دمکراتیک ملی علیه امپریالیسم و نوکرانش تشکیل می دهند؛ آنها قابل اتکاء، ترین و کثیرالعدده - ترین متحدین و لائاریامی باشند. هند کشوری وسیع نیمه فئودال - نیمه مستعمره با ۵۰۰

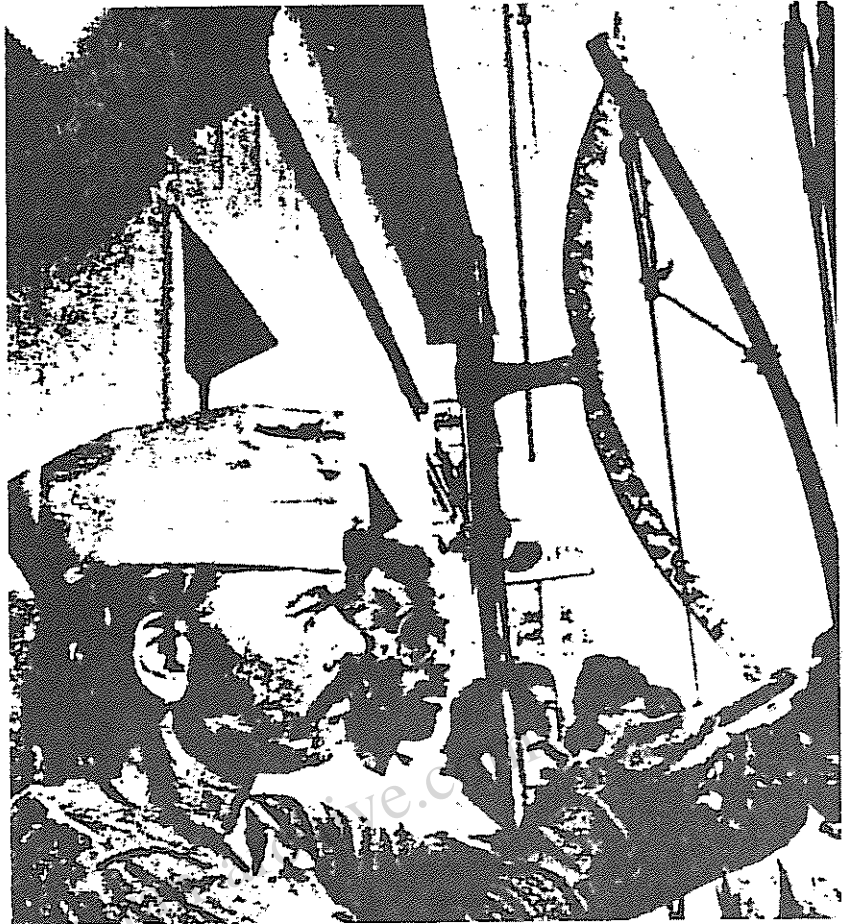
نگذاشته. هند تحت حاکمیت - حزب کنگره، اگرچه اسامستقل، اما در واقع هنوز يك کشور نیمه مستعمره - نیمه فئو - دال است. حکومت کنگره منافع شاهزادگان فئودال، بزرگان مالکان زمین و سرمایه داران بوروکرات - کمپرادور را نمایندگی می کند. در سطح داخل، ایمن حکومت بی رحمانه ستم کرده و ظالمانه خلق هند را استثمار می کند. در سطح بین المللی در حالیکه به استقلال از اروپا سابق خود، امپریالیسم بریتانیایی، ادامه می دهد، خود را به دامان رئیس جدیدش امپریالیسم آمریکای شرقی شماره يك آن یعنی دسته رویزیونیستهای شوروی می اندازد، بدین گونه کاملاً منافع ملی هند را در سطحی بزرگ می فروشد. بدینسان امپریالیسم، رویزیونیسم شوروی، فئودالیسم و سرمایه داری بوروکرات - کمپرادور مانند کوههای عظیم برگرفته خلق هند، بویژه توده های رنجبر کارگران و دهقانان سنگینی می کند. در چند سال گذشته حکومت کنگره سرکوب و استثمار خلق هند و بیگیری سیاست خیانت ملی اش را تشدید کرده است. در نتیجه، قحطی سال به سال در این سرزمین گسترش یافته است. جان کندن مردم از گرسنگی يك منظره عادی است. برای توده های خلق هند، و بیشتر از همه توده های دهقانی، زندگی غیر ممکن گردیده است. دهقانان انقلابی منطقه دارجلینگ اکنون شوریده و به انقلاب قهرآمیز برخاسته اند. این پیش - درآمد انقلابی قهرآمیز توسط صد میلیون مردم در سراسر هند می باشد. خلق هند مسلماً این کوههای عظیم را از گرده اش پائین خواهد افکند و رهایی کامل را کسب خواهد کرد. این گرایش کلی تاریخ

طنین غرش تندر در سرزمین هند - بصدادر آمده. دهقانان انقلابی منطقه دارجلینگ سربه طغیان برداشته اند. تحت رهبری يك گروه انقلابی از حزب کمونیست هند (ح ک ه)، يك منطقه سرخ از مبارزه مسلحانه انقلابی روستائی در هند برپا گردیده است. این تحولی بسا اهمیت شگرف برای مبارزه انقلابی خلق هند می باشد.

در چند ماه گذشته، توده های دهقانی این منطقه، به رهبری گروه انقلابی حزب کمونیست هند، موانع و بندهای رویزیو - نیسم مدرن را بدور افکنده و دامهای آنها را درهم شکسته اند. آنها محبوبان زمین و سلاح را از دست مالکان زمین و صاحبان مزارع بیرون کشیدند، مستبدین محلی و متنفذین شریر را تنبیه کردند، طوسی کمپنهائی به پلیس و سربازان ارتجاعی که برای سرکوب آنان فرستاده شده بود حمله بردند، بدین گونه قدرت عظیم مبارزه مسلحانه انقلابی دهقانان را بنمایش گذاشتند. همه امپریالیستها، رویزیونیستها، مقامات فاسد، مستبدین محلی، متنفذین فرومایه و پلیس و ارتش ارتجاعی از نظر دهقانان انقلابی هیچ وبی ارزشند. دهقانان انقلابی مصممند آنان را به زباله دان تاریخ پرتاب کنند. گروه انقلابی حزب کمونیست هند کار کاملاً درستی را انجام داده و خوب هم انجام داده است. خلق چین همانند تمام مارکسیست لنینیستها و مردم انقلابی سراسر جهان با شورش و شوق این طوفان انقلابی دهقانان هند را در منطقه دارجلینگ می ستایند. طغیان دهقانان هند و انقلاب خلق هند اجتناب ناپذیر است، حاکمیت ارتجاعی کنگره هیچ شق دیگری برایشان باقی

میلیون جمعیت است، اکثریت مطلق آن رادھقانان تشکیل می دهند. زمانیکه این چندصد میلیون دهقان هندی برخیزند نیروی شکست ناپذیر انقلاب هند خواهند شد. پرولتاریای هند بایکی شدن با دهقانان قادر خواهد گردید تغییرات اساسی و تکاندهنده ای در بسیاری از روستاها بوجود آورد، و هر دشمن قدرتمندی را در یک جنگ خلق جانانه شکست دهد. رهبر کبیرمان صدرماثو بما می آموزد: " کسب قدرت توسط نیروی مسلح، حل مسئله از طریق جنگ و وظیفه مرکزی و عالیترین شکل انقلاب است. این اصل مارکسیستی - لنینیستی انقلاب جهانشمول است که برای چین و همه کشورهای دیگر صدق می کند."

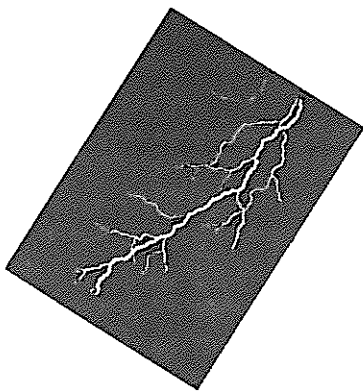
جنبه خاص انقلاب هند، مانند انقلاب چین، جنگیدن و ستیز انقلاب مسلح با ضد انقلاب مسلح است. مبارزه مسلحانه تنها راه درست برای انقلاب هند میباشد، هیچگونه راه دیگری وجود ندارد. مهمالته مانند "کاندیسیم" " راه پارلمانی" و از این قبیل، افیرونی هستند که طبقات حاکمه هند برای بخواب کردن خلق هند بکار می برند. تنها باتکیه بر انقلاب قهرآمیز و اتخاذ راه مبارزه مسلحانه هند نجات می یابد و مردم هند به رهائی ناشل می شوند. این بویژه بمعنای برانگیختن متهورانه دهقانان، ساختن و توسعه دادن نیروهای مسلح انقلابی، پاسخگویی به سرکوب مسلحانه امپریالیستها و مرتجعین - که موقتاً قویتر از نیروهای انقلابی هستند - بوسیله استفاده کامل از مجموعه استراتژی و تاکتیکهای قابل انعطاف جنگ خلق برای حفظ مبارزه مسلحانه در ازمدت و کسب کام به کام پیروزی



تظاهراتی رزمنده از سوی حزب کمونیست هند (م.ل.)،
بهمراه تیروکمان



تظاهرات در حمایت از جنبش ناکرالباری در کلکته ژوئن ۱۹۶۹



نوشته مفسر روزنامه مردم

نیروهای انقلابی دهقانان در ناگز الباری و دیگر نقاط ناحیه دارجلینگ Darjeeling اولین دورپروزیشان را در مبارزه علیه کارزارهای "محاصره و سرکوب" که بوسیله پلیس و سربازان مرتجع هند آغاز شد بدست آوردند. اولین اعمال سرکوبگرانه مرتجعین هند عقیم مانده است.

از ۶ ژوئیه، دولت "غیرکنگره ای" در بنگال غربی تعداد بسیاری پلیس و سرباز برای حمله به دهقانان انقلابی ناگز الباری کسب داشته است. اما آنها راهی برای منکوب کردن نیروهای مسلح دهقانی نیافته و قادر به کنترل منطقه نبوده اند.

نیروهای مسلح دهقانی شجاعانه و ماهرانه به رهبری انقلابیون مسزب کمونیست هند عملیات چریکی را در این منطقه آغاز کرده اند. آنها قادرند اینکار عمل را گرفته و حمله نمایند، آنها همچنین می توانند بار و برودن بادشمنی که دارای قدرت برتری است بغوریت از آن دور شوند. در ۱۲ ژوئیه، دهقانان مسلح در نزدیکی کمپ پلیس منطقه "خاریباری" به سربازان ویلیس ارتجاعی حمله کردند. آنهاش روز بعد در نزدیکی جنگل "توکوریا" بسوی پلیسها آتش گشودند و سپس به آسانی منطقه را ترک گفتند. گزارشی از ۲۲ ژوئیه جریده "یونایتد نیوز" هندی اقرار می کند که نیروهای مسلح دهقانی در منطقه ناگز الباری "می توانند در محدوده کمر - بندی بازیرکی ازداد پلیس گریخته و از

مسلحانه روستائی دارجلینگ به وحشت افتاده اند. آنها مصیبت قریب الوقوع را احساس کرده اند و هر اسان ناله سر داده اند که طغیانهای دهقانی در آنجا "یک مصیبت ملی" خواهد شد. امپریالیسم و مرتجعین هند بطریق بیشماری سعی دارند این مبارزه مسلحانه دهقانان دارجلینگ را سرکوب کرده و در نطفه خفه کنند. دارودسته دانگ مرتسد و مشتی روسای رویزیونیست حزب کمو - نیست هند شدیداً به انقلابیون در حزب کمونیست هند و دهقانان انقلابی در دارجلینگ بخاطر ثمرات برجسته و عظیمشان تهمت زده و حمله می کنند. این به اصطلاح "حکومت غیرکنگره ای" در بنگال غربی آشکارا از حکومت ارتجاعی هند در سرکوب خونین دهقانان انقلابی دارجلینگ طرفداری می کند. این گواه دیگرست بر اینکه این مرتدان و رویزیو - نیستها سگهای زنجیری امپریالیسم آمریکا و رویزیونیسم شوروی و دلقکهای بزرگ مالکان زمین و بورژوازی بزرگ هند می باشند. آنچه را که آنها "حکومت غیرکنگره ای" می نامند تنها وسیله ای در دستان این مالکان و بورژوازی است. امامم نیست چگونه امپریالیستها، مرتجعین هند و رویزیونیستها میگردن ممکن است در خرابکاری و سرکوب همکاری نمایند، مشعل مبارزه مسلحانه ایکه بوسیله انقلابیون حزب کمونیست هند و دهقانان انقلابی دارجلینگ فروزان گشته خاموش نخواهد شد. "ازیک جرقه حریق برمی - خیزد" جرقه دارجلینگ آتشی را آغاز خواهد کرد و مسلماً فضای پهناوری را به آتش خواهد کشید، و اینکه یک طوفان عظیم مبارزه مسلحانه انقلابی را انجام سرتاسر هند را سرعت خواهد میبمود، جای تردید ندارد. اگرچه مسیر مبارزه انقلابی هند طولانی و پیرزحمت خواهد بود، اما انقلاب هند تحت رهبری کیبر مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسه دون مسلماً پیروزی نهائی را کسب خواهد کرد.

انقلاب، که شخصاً توسط صدرمائو تدوین شده، می باشد.

در پرتو خصوصیات انقلاب چین، رهبر کیبرمان صدرمائو اهمیت برقراری مناطق انقلابی پایگاهی روستائی را متذکر گردید. جهت مداومت در مبارزه مسلحانه طولانی مدت و شکست امپریالیسم و نوکرانش، "برای صفوف انقلابی ضروریست که دهکده های عقب مانده را به مناطق پایگاهی محکم و پیشرو، به سنگرهای بزرگ نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی انقلاب تبدیل نمایند که از آنجا با دشمنان تیهکارشان که از شهرها برای حمله به نواحی روستائی استفاده می کنند ستیز نمایند، و بدین طریق طی جنگ طولانی مدت بتدریج به پیروزی کامل انقلاب نائل شوند."

هند کشور عظیمی است، روستاها، جائیکه ارتجاع ضعیف است، مناطق پهناوری را فراهم می کند که در آنها انقلابیون می توانند آزادانه مانور دهند. تا زمانی که انقلابیون پرولتری در هند از خط انقلابی مارکسیستی - لنینیستی - اندیشه مائوتسه دون جانبداری می کنند و بر متحد بزرگشان، دهقانان، تکیه دارند، برای آنها برقراری مناطق پایگاهی انقلابی روستائی پیشرو یکی پس از دیگری در خیل عظیم مناطق روستائی عقب مانده و ساختن یک ارتش خلق از نوع نویسن کاملاً امکان پذیر می باشد. انقلابیون هند هر قدر هم که مشکلات و پیچ و تاب در مسیر ساختن چنان مناطق پایگاهی انقلابی را تجربه کنند، اما سرانجام آنها این مناطق را بطور موج وار از نقاطی ایزوله به یک فضای پهناور، از مناطق کوچک به مناطق وسیع تکامل خواهند داد. بدین - گونه، در انقلاب هند موقعیتی که در آن شهرها از طریق روستاها محاصره شده اند بتدریج بظهور خواهد رسید که راه را برای تسخیر نهائی شهرها و کسب پیروزی در سراسر کشور باز خواهد کرد. مرتجعین هند از تحولات میسارزه

روفتن سرخ ناکزالباری هر چه رفیقتد در اهنگزار باب

هفتم اوت ۱۹۶۷

جایی به جای دیگر حرکت کنند"، و اضافه می کنند که مرتجعین هند نمی توانند این جریانات را بفهمند و "هیچ جوابی ندارند". در واقع جواب بسیار روشن است. پاسخ این است که نیروهای انقلابی مسلح دهقانی ناکزالباری حمایت توده های دهقانی را بدست آورده اند. در مقابل، مرتجعین بشدت از توده ها منقرض شده اند. در صورتیکه دهقانان کاملاً بسیج شوند نیروهای مسلح انقلابی بطور کامل قادر خواهند بود هر "محاصره و سرکوب" پلیس و سربازان مرتجع را درهم شکنند و بدین ترتیب به مبارزه شان ادامه دهند.

تشکیل و توسعه تیروهای مسلح دهقانی نخستین شرط را در پیابرداری مبارزه انقلابی دهقانان می باشد. در صحبت از نیروهای دهقانی مسلح به نیزه، رهبر کبیر ماصدر مائو در اثر استادانه اش "گزارش درباره بررسی جنبش دهقانی هونان" می گوید، "این توده مردم مجهز به نیزه ۰۰۰۰ نسل جدیدی از نیروی مسلح است که تنها تماشای آن لرزه براندام مستبدان محلی و متنفذین شریعی اندازد. مقامات انقلابی هونان باید دقت نمایند. ۰۰۰ که هر دهقان، چه جوان و چه در بهسار جوانی، دارای یک نیزه باشد. ۰۰۰ امروز نیروهای مسلح دهقانی در منطقه ناکزالباری به تیروکمان، نیزه های بلند و سایر سلاحهای ساخته شده محلی مجهز هستند. اگر این "نیروی تیروکمان و نیزه های بلند" در مقیاسی وسیع تر بنا شود، قادر خواهد شد با

جلوه اش نیروهای مالکان زمین، پلیس و سربازان ارتجاعی را در مناطق روستایی به لرزه در آورد. دهقانان مسلح نه تنها می توانند بقایشان را از خطر حراست نمایند، بلکه می توانند خودشان را با سلاحهای غنیمت گرفته شده از دشمن نیز تجهیز کنند.

برای شکست مداوم عملیسات "پاکسازی" دشمن و کارزارهای "محاصره و سرکوب" و کسب پیروزیهای نظامی، نیروهای مسلح دهقانی، در زمانیکه هنوز در موقعیت ضعف قرار دارند، باید از تاکتیکهای چریکی قابل انعطاف و متحرک پیروی نمایند. تا زمانیکه این نیروهای مسلح در یکارگیری تاکتیکهای زیر قابلیت نشان دهند، یعنی "دشمن پیشروی می کند، ما عقب می نشینیم؛ دشمن مستقر می شود، ما با حمله به ستوهایش می آوریم؛ دشمن خسته می شود، ما حمله می کنیم؛ دشمن عقب می نشیند، ما تعقیب می کنیم" (معروف به ۱۶ تصویر هیروکلیدی)، قادر به انباشت نیرو و تهی کردن قدرت رزمی دشمن خواهند بود. این یک شیوه مؤثر برای مداومت در مبارزه مسلحانه در یک دوره طولانی و شکست دشمن و کسب پیروزی می باشد.

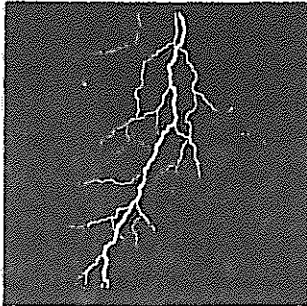
برای بدست آوردن جای پائی محکم و استوار در مبارزه مسلحانه طولانی مدت، نیروهای مسلح انقلابی دهقانان باید مناطق پایگاهی خود را در روستاها برقرار کرده و توسعه دهند. این یک وظیفه مهم برای

انقلاب دهقانی کنونی هند می باشد. نیروهای مسلح دهقانی ناکزالباری در مبارزه شان علیه پلیس و سربازان ارتجاعی در مقابل اولین آزمون، سخت ایستادگی کرده اند. این نشان می دهد که نیروهای انقلابی در روستاها دارای فضای پهناوری برای مانور بوده و کاملاً قابلیت رشد و توسعه در مسیر مبارزه، از کوچک به بزرگ را دارند.

انقلاب چین از همان ابتدا بوسیله کارزارهای مکرر "محاصره و سرکوب" و "ضد محاصره و سرکوب" آزموده شد. تنها طی مبارزات طولانی مدت بود که یک ارتش قدرتمند خلق و مناطق پایگاهی وسیع روستائی ساخته و بر پا گردید و پیروزی نهایی کسب شد. انقلاب هند نیز طبیعتاً چنان خواهد شد. مبارزه انقلابی دهقانان ناکزالباری طولانی و دشوار خواهد بود. این مبارزه هنوز باید ستیز شدیدی را برای درهم شکستن پی در پی کارزار "محاصره و سرکوب" دشمن انجام دهد. این مبارزه با همه نوع مشکلات و عقبگردها روبرو خواهد شد. اگر چه تا زمانیکه نیروهای مسلح انقلابی دهقانان ناکزالباری در پیروی از راه انقلاب چین و برافراشته نگه داشتن پرچم سرخ مبارزه مسلحانه ثابت قدم بمانند، مسلماً انقلاب هند را قدم به قدم بسوی پیروزی پیش خواهند برد.

بزرگداشت ناگزالباری :

گزارشی از پنجاب



کمیته رهبری، حزب کمونیست انقلابی هند

آزار پلیس قرار گرفتند. تقریباً یکصد انقلابی کمونیست زیر شکنجه پلیس کشته شدند. مقامات ارتجاعی پنجاب دست به اقدامی زدند که به یک شیوه فراقی و رسوای قلع و قمع انقلابیون تبدیل گردید. انقلابیون دستگیر شده، وحشیانه توسط پلیس شکنجه شده و بقتل میرسیدند. سپس اجساد آنان راهی جای پرتی برده و به دروغ ادعای کردنده که آنها در یک درگیری مسلحانه با پلیس در آنجا کشته شده اند. هزاران جوان انقلابی در مواجهه با یورش فاشیستی رژیم کمپرادور - بوروکرات هند، جان خود را برای رهایی توده‌های تحت استعمار و منکوب شده، فدا کردند.

گرچه حاکمان مرتجع موقتاً موفق به سرکوب مبارزه مسلحانه انقلابی گردیدند، اما خاطره آن شورش دلبرانه و روحیه فداکارانه و رشادت عاری از خودپرستی، یک جوانان انقلابی پنجاب بنمایش گذاشتند در میان مردم، بویژه توده‌های فقیر و تحت ستم، هنوز زنده است. اکنون در زمانیکه پنجاب در حال تجربه پیام و مبارزه مسلحانه دیگریست (این بار تحت رهبری رزمندگان سیک که دارای انگیزه مذهبی هستند)، اوضاع برای جنبش انقلابی تحت پرچم پرولتاریا، هم فرصتهای خوب و هم موانعی که باید بر آنها غلبه کرد، ارائه می دهد.

توانائی رزمندگان سیک در دامن زدن به مقاومت مسلحانه و حفظ آن در مواجهه با سرکوب و وحشیانه، شاهدهی است بر

پنجاب از سنت باشکوه مبارزه انقلابی برخوردار است. میراث انقلابی مردم پنجاب در جنگ علیه ستم و استعمار خود را در تلسلس بی وقفه مبارزات و جنبش-ها برای شان و مقام ملی و استقلال جلوه گر میکند.

زمانیکه درفش سرخ و درخشان شورش مسلحانه توسط دهقانان فقیریومی زمین در منطقه ناگزالباری بنگال غربی در ۱۹۶۷ برافراشته شد، جنبش ناگزالی در سراسر مناطق وسیع هند، از جمله پنجاب گسترش یافت. بزرگداشت اخیر بیستمین سالگرد آن شورش در پنجاب آشکار نمود که آتش ناگزالباری هنوز شعله و راست و یکبار دیگر خیر از جهش به شعله‌های فروزان در این منطقه بویژه متلاطم میدهد.

زمانیکه مبارزه مسلحانه در ناگزا - لیاری در بهار ۱۹۶۷ آغاز شد، بطور خاص دانشجویان و جوانان پنجابی در هند قادر قابل توجهی به این جریان انقلابی پیوستند، آنهم در جائیکه معروف به "مرفه" - ترین ایالت هند است. تعدادی دسته‌های مبارزه مسلحانه در سطح ابتدائی توسعه یافت. طبقات حاکمه ارتجاعی در تلاش برای خواباندن این موج یک دوره ترور در پنجاب را آغاز کردند.

هزاران فعال و سمیات ج. ک. ه. (م. ل.) تحت سرکوب وحشیانه قرار گرفتند. خانه اعضای برجسته حزب مورد چپاول قرار گرفته و به آتش کشیده شد و خانواده و نزدیکانشان مورد زشتترین

این حقیقت که علی‌رغم آنچه "گامیابی اقتصادی" ایالت خوانده میشود و علی‌رغم جلوه قدرت حکومت مرکزی، شرایط برای دست زدن به مبارزه مسلحانه و پیشبرد آن در پنجاب وجود دارد. اما این واقعیت که این رزمندگان سیک، بر پایه جذب تَنگ نظرات مذهبی خود در میان بخش وسیعی از مردم ریشه دوانده‌اند، در تلاش مارکسیست - لنینیستها برای بسیج مردم حول پرچم پرولتاریا، مشکل جسدی ایجاد کرده است.

در برتوانی جوسیاسی بود که کمیته رهبری، ج. ک. ا. ه. تصمیم گرفت در این بخش "فروزان" هندوستان، کارزار بزرگداشت ناگزالباری را بر گذار کند، آنهم نه به‌مثابه یک عمل و تشریفات رسمی، بلکه بعنوان بخشی از آماده کردن شرایط برای گشایش عملی پیروان انقلابی بوسیله دست و پنجه نرم کردن با مشکلاتی که جنبش انقلابی در تئوری و عمل با آن مواجه می باشد.

شماره آوریل پیغام، ارگان ماهانه ج. ک. ا. ه. که بزبان پنجابی منتشر میشود، یک اطلاعیه از سوی کمیسیون کارزار ناگزالباری مبنی بر دو هفته کارزار تبلیغاتی درج کرد؛ این کارزار از ۹ مه شروع می شد و نقطه اوجش گردمانی عمری ۲۲ مه بود؛ بیست سال پیش در چنین روزی

رادرزیر گردوغبار حماقت (Cretinism) پارلمانی پنهان نماینده سختگو بر لزوم تقبیل وظیفه تهیه تدارکات توانمند برای باز افروختن شعله‌های مبارزه مسلحانه در پنجاب و برافراشتن پرچم مستقل پرولتاریا در میان بادهای نیرومند و درهم پیچیده "سرزمین پنج رودخانه" تأکید گذارد. او همچنین برخورد صحیح به رزمنده‌ها، کان سیک را تشریح کرد، و گفت رزمنده‌ها سیک بخاطر خشم و غیظی که از سیاستهای فرقه‌ای و سرکوبگرانه طبقات حاکمه هند دارند، مسلحانه علیه دولت هند بپا خاسته‌اند. او گفت اشتباه است که این رزمنده‌ها را که دارای انگیزه مذهبی هستند دشمن و آماج بلا فصل جنبش انقلابی قلمداد کنیم یا آنان را "بهمان اندازه ارتجاعی" یا "فاشیستهای دیوانه" بخوانیم. او گفت، چنین برخوردهای مطلقاً اشتباهی نهایتاً، به درامان ننگ داشتن دولت ارتجاعی هند از حملات جنبش انقلابی می انجامد، و لاجرم به سنگگیری با دولت ارتجاعی هند در کارزار شریانه اش علیه کسانی که آنها را نیروهای "تروریست" و "تجزیه طلب" می نامند منجر می‌گردد. این چیز نیست که در پنجاب اتفاق می افتد. این برای جنبش انقلابی شرم آور است که همان مقامات مرتجع که دستشان تا مرفق به خون جوانان "ناکزالی" آغشته است اکنون برخی "ناکزالیهای" سابق رادرزیر رگبار تحسین و تشویق قرار داده‌اند، و همین "ناکزالیهای" سابق که زمانی سلاح از دست دولت می بودند اکنون دولت با خوشحالی به آنها سلاح تقدیم می کند تا در جبهه نامیوم نشان علیه "تروریستهای خالستانی" بکار گیرند. (خالستان حکومت مستقل سیک است که برخی نیروهای جنگنده مذهبی در تلاش تأسیس آن می باشند - ج. ب. ف.)

سخنگوی ج. ب. ف. بدون هیچ ابهامی روشن نمود که حتی زمانی که منافع پرولتاریا طلب می کند بصورت موقت با چنین نیروهای اجتماعی در مبارزه علیه دشمن مشترک وحدت کند، هیچ امتیاز و نرمشی در مبارزه ایدئولوژیکی علیه ایدئولوژی ارتجاعی آنها و سیاستهای غلطی که گاهی مملو از انحراطات جنایت ناپاید نشان داد. موضع انقلابی پرولتاریا می باید قویاً در تقابل جدی با اهداف ارتجاعی چنین نیروهایی قرار گیرد. در حالیکه سخنگوی ج. ب. ف. در کرد-

بسرعت بلوکهای امپریالیستی را بسوی برخورد دیگری در سطح جهانی سوق می دهد و فرصتهای گسترده‌ای که برای فوران جنبشهای انقلابی توده‌ای در سنگرهای امپریالیسم بوجود می آید، نیاز به استحکام بخشیدن به وحدت راستین نیروهای مارکسیست - لنینیست نه تنها در سطح سراسر هند، بلکه در مقیاس جهانی، و در این زمینه اهمیت تشکیل ج. ب. ف. (ریسم) و بیانیه آن، در شرایط کنکرت پنجاب، بر - خورد صحیح به انفجار خودبخودی شورشی رزمنده توده‌ای که از وحدت یابی شرایط عینی گوناگون برخاسته‌اند، نیاز به تشکیل اتحادی از کلیه قشرها و بخشهای مبارز مردم علیه دشمن مشترک، و پیشبرد منافع پرولتاریا از طریق این اتحادها، و قس علیهذا.

در ۲۲ مه بیش از ۶۰۰ نفر در حالیکه سردهای انقلابی می خواندند، شعار می دادند و پرچمها و پلاکاردهای سرخ حمل می کردند در محوطه نامواریک انستیتوی آموزشی در "سونام"، مقرهای بخش فرعی در عمق منطقه "ملوای" پنجاب، جمع شدند. بیش از ۸۰ درصد شرکت کنندگان از میان جوانان بودند، بیشتر آنان نوجوانانسی بودند که آرزو و اشتیاقی سوزان برای دگرگون کردن جهان به شیوه انقلابی در سر داشتند. در پیشاپیش حضار تصاویری بزرگ از مارکس، لنین، استالین و مائو و دهها شیبدر اداشت و تصاویری از شهیدان که جان خود را برای فرورزان نگهداشتن شعله‌های ناکزالی در پنجاب در طول سالهای ۱۹۷۰ و ۱۹۷۱ فدا کردند.

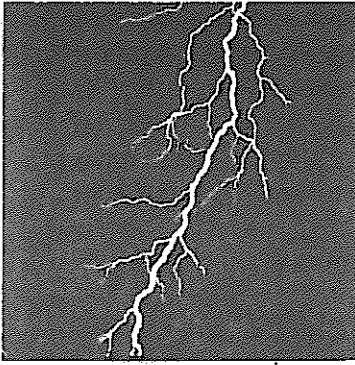
قبل از گشایش رسمی گردهمایی، حضار به پاس احترام تمامی شهدائی که در راه انقلاب، نه فقط در پنجاب بپا خاسته بلکه سراسر جهان، جان باختند سکوت کردند. در این گردهمایی ۶۰۰ انقلابی استوار، از جمله تعداد قابل توجهی از زنان، با بالا بردن دستان مشت کرده و فریاد شعارها، عزم خود را برای تجدید فرورزان کردن شعله ناکزالی در این بخش متلاطم هند ابراز نمودند.

سخنگوی ج. ب. ف. بر نقش تاریخی ناکزالی که انقلاب مسلحانه را مجدداً در دستور کار گذارد، تأکید کرده، ناگزای لباری زمانی چنین نقشی را ایفا کرده که رویزیونیستهای مرتد که در آن زمان زمام جنبش کمونیستی هند را در دست گرفته بودند، منتهای تلاش خود را بعمل می آوردند تا آموزشهای انقلابی مارکس، لنین و مائو

دهقانان ناکزالی را آغاز مبارزه مسلحانه را با حمله به یک دسته پلیس که برای دستگیری فعالین رزمنده دهقان آمسده بودند اعلام کردند. کارزار می بایست در ناحیه ویژه‌ای تمرکزی یافت که جنبش انقلابی نسبتاً در آنجا جا افتاده است و در عین حال با استفاده از هر وسیله ممکن به تمامی مناطق گسترش می یافت.

تقریباً در هر گوشه و کنار دهکده‌ها و شهرهای آن ناحیه، پوسترهای دیواری حمایت از خیزش کبیر ناکزالی و فرار خون به مردم برای پیشروی در امتداد راه سرخ ناکزالی پدیدار گشت. بر دیوار دهکده‌ها و شهرکها شعارهایی به رنگ سرخ نقش بست: "زننده باد ناکزالی" "پیش در امتداد راه ناکزالیباری"، "قدرت سیاسی از لوله تفنگ بر می خیزد"، "برای رهائی مردم از چنگال استثمارگر حاکمان هندواریابان امیر - بیالیست آنان، علیه دولت ارتجاعی هند مسلح شوید"، "برای تقویت وحدت هندو - سیک جبهه‌ای دلیرانه علیه حاکمان فرقه‌ای هند برپا دارید"، "مشعلهای ناکزالی رادر سراسر کشور برافروزید" "پیش در راه ترسیم شده توسط مائو - تسه دون" و غیره و غیره. هزاران نسخه اعلامیه چهار صفحه‌ای پخش گردید. شماره ماه مه پیغام یک مقاله جامع حمایت از نقش و دست آوردهای مبارزه ناکزالی در ضمن ارزیابی انتقادی از آن، درج کرد تا بدین ترتیب درسهای آن بتواند به پیشروی جنبش انقلابی کمک کند.

هنگامیکه فعالین ج. ب. ف. در سرتاسر منطقه پخش شدند گردهماییها و راهپیماییها توده‌ای سازمان داده شدند. نکات مهم بحث و تبلیغات چنین بود: شرایط محلی و جهانی که به فوران قیام ناکزالیباری انجامید، جبهات و اهداف جنبش، مملو از تروری که توسط طبقات حاکمه نمایند - کان سیاسی محافظ گوناگون، از جمله رویزیونیستها راه انداخته شد، برخی از کمبودها و اشتباهات جنبش و رهبران آن و چگونگی کمک این مسئله به عقبگرد جدی جنبش، نیاز به حفظ و حمایت از درسا و دست آوردهای مثبت و مناسبت آنها در اوضاع کنونی، نیاز وافر برای افراشتن هر چه بیشتر پرچم مبارزه مسلحانه تحت رهبری پرولتاریا و راه جنگ خلق بعنوان تنها راه رسیدن به رهائی خلق هند؛ وحدت یابی تضادها در سطح جهانی که



همائی سخنرانی میکرد جمعیت انبوهی، اکثراً از دهقانانی که بطور معمول از شهر دیدن می کنند، در جلوی جاده جمع شده و باعلاقه به سخنرانی چند ساعته گوش فرا دادند. عده قابل توجهی از دستهای بی - شمار و مسلح پلیس که مخصوصاً برای زیر نظر گرفتن این نوع "ناگزالیهای" غیر قابل اعتماد فرستاده شده بودند نیز بتدریج نسبت به سخنران و آن وضعیت علاقه نشان دادند. سکوت مطلق و علاقه ای که این دهقانان از خود نشان دادند حاکی از اشتیاق بسیاری از مردم نسبت به نظرات "ناگزالیها" بر سر بسیاری از مسائل طرح شده بود؛ مسائلی که عمیقاً به آنها نیز ربط دارد. موج تازه تر و دولت علیه رزمندگان سیک و بیوزده ظهور دوباره شیوه وحشیانه قلع و قمع آنان از طریق "رودروئیها" ی ساختگی، مردم را انباشته از خشم کرده و بدین ترتیب آنان بسیار بیشتر پذیرای سیاست برخورد مسلحانه علیه رژیم - منفور دهمی شده اند.

در پایان کنفرانس، حضار قطعنامه ای صادر کردند که در آن همبستگی با مبارزه مسلحانه در پیرو علیه رژیم خونریز آلن - کارسیا و تمامی نیروهای امپریالیستی از هر رقم که باشند اعلام گردید.

مقامات مرتجع در طول دو هفته از دخالت خودداری کردند، ظاهراً امیدوار بودند مردم را متقاعد می کنند که آنها دیگر احساسات بدخواهانه نسبت به "ناگزا - لیهای خوش رفتار" در مقایسه با "منعصین بی تمدن" یعنی جنگجویان "خالستان" ندارند. اما در واقع این کارزار تبلیغاتی برای جان آنان بود. آنها با فاصله بعد از کنفرانس عمومی، جستجوی شدیدی را برای دستگیری و محاکمه هماهنگ کنندگان کارزار کمیته ناگزالیباری آغاز کردند، و در مورد سخنگوی ح. ک. ا. ه. و دیگر فعالین مرتبط با این نوع "ناگزالیها" به جاسوسی پرداختند. همانطور که ماژومی گوید، اگر دشمن به شاحمله نکند، در آن صورت اشتباه خطرناک و بزرگی در خط شما وجود دارد. بطور طعنه آمیزی، هیچ گروه "ناگزالی" عمده دیگری در پنجاب زحمت بزرگداشت این واقعه تاریخی را، حتی به رسمیتترین شکلش، بخود نداد. شاید آنها آنقدر در کارزار شیرانه شان علیه "تروریستهای خالستان" درگیر شده اند که نتوانستند برای چنین "عمل بی فایده ای" انسرژی ذخیره کنند!

متن ذیل برگزیده ای از بیانیه کمیته رهبری، حزب کمونیست انقلابی هند بمناسبت بیستین سالگرد شورش ناگزا - لیاری میباشد - جهانی برای فتح - ۲۰۰۰ در اواسط سالهای ۶۰ سراسر هند

تحول اجتماعی عظیمی را سپری مینمود. بخش بسیار بزرگی از جمعیت روستائیی از استبداد و استثمار اربابان فئودال رنج می برد، بیکاری، فقر و کسب سنگی فزاینده، مردم تحت استثمار از جمله قشر میانی را به مبارزه مرگ و زندگی علیه نظام استثمارگرانه سوق می داد. خشم سوزان جمعیت انبوه تحت استثمار نسبت به نظام استثمارگرانه ابعاد انفجاری گرفته بود، و طبقات حاکمه نمی توانستند به طرق گذشته بر مردم حکومت کنند.

در چنین موقعیتی، برخی از فعالین کمونیست بخش دارجلینگ در بنگال غربی علیه سلطه رهبری رویزیونیست برخاستند. جان تازه ای به کالبد جنبش کمونیستی دمیده شد، کالبد جنبشی که در مرداب رویزیونیسم فرورفته بود. پیروسی برای سازمان دادن جنبش در راستای خط انقلابی جدید آغاز شد که با گسست تئوریک و عملی از رویزیونیسم همراه بود. بیانیته تشکیل ح. ک. ه. (م. ل.) تحت رهبری

رفیق چارومازومدار در ۱۹۶۹، در زاد روز لنین، پیروسی تجدید سازمان کمونیستهای هند را به سطح کیفیتنا عالیتری ارتقا داد.

در پی سرکوب وحشیانه توسط حاکمان حزب کنگره، که مورد حمایت تمامی احزاب مرتجع و اپورتونیست پار - لمانی بود، جنبش متحمل عقبگردی موقتی گردید، این مسئله به مارکسیست - لنینیستها فرصتی داد تا تحقیق عمیقی انجام داده و تحلیل کاملی از پدیده بعمل آورند. اما ماهمانطور که در تاریخ معلوم است، جمع بندی شکستها و عقبگردها همانند جاده لغزنده ای است و همیشه همراه با اختلافات و مبارزات حاد می باشد. عین همین مسئله در خصوص ناگزالیباری رخ داده است.

برخی عناه سربدسکال که جامعه مارکسیست - لنینیست برتن کرده بودند، از فرصتهاثیکه بعضی از اشتباهات وضعفهای نمایان جنبش در اختیارشان قرار داده بودند بهره ویدخواهانه از هر وسیله ای برای تبلیغ علیه مبارزه مسلحانه و مسرم کردن صفوف تشکیلات استفاده کردند. وقایع آتی ثابت نمود که قیل و قالهای جنون آمیز عناصر معینی علیه رهبری انقلابی رفیق چارومازومدار و مبارزه مسلحانه از هیچ حسن نیتی برخوردار نبودند.

بیانیه کمیته رهبری، حزب کمونیست انقلابی هند

شورشی که

شبه قاره را لرزاند

نمایش می گذارند. دالیت ها DALIT (پائین ترین لایه تحتانی در سلسله مراتب کاستی جامعه هند) وظایف هائیکه از درنده خوئیهای کاملاً ارتجاعی نظام کاستی قرنهایست رنج می برند، اکنون در اشتیاق رهائی از دست این حاکمیت ستمگر میسوزند. تضادهای و نفاقهای درونی، نیروی حاکمان هند را تحلیل برده است. قیامهای نیرومند توده ای و شورشهای همگانی علیه نظام سیاسی ستمگر بخاطر تشدید تضادهای گوناگون اجتماعی، در مواجهه با بحران حادث نظام جهانی امپریالیستی، در حال فوران است. موقعیت بسیار پخته است، تنها اگر به این جنبشهای نیرومند یک جهت گیری سیاسی رهبری درست داده شود، آنها "ناگز الباری" می توان خلق کرد. اگر مارکسیست - لنینیستهای هند موفق به جوابگویی به مصاف طلبی - های کنونی شوند و بطور خلاق علم انقلابی م - ل - اندیشه ماثور را بکار بندند، و یک استراتژی و تاکتیک درست را فرموله نمایند، در آن صورت دولت ستمگر بظاهر قدرتمند را ستمنامیبتوان درهم شکست و بر ویرانه های آن رژیم - حقیقتاً دمکراتیک تحت حاکمیت انقلابی - پرولتاریا بنا نمود.

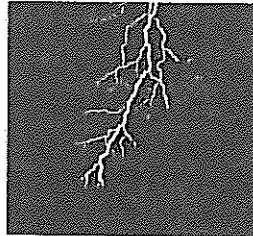
بطور جدی پیشروی انقلاب دمکراتیک هند را مختل کرد. در این لحظه، در زمانی که بیستمین سالگرد قیام عظیم ناگز الباری را بر گزار می کنیم، مارکسیست - لنینیستهای هند با مصاف خوئیهای بسیار در سطح تئوری و عمل مواجهند. ساختار جامعه هند بسیار پیچیده است، ویرخی ویژگیهای خاص خود را دارد. تضادهای گوناگون اجتماعی، اوضاع انقلابی در هند را رقم میزند. رژیم حاکم کمپرادور - بوروکرات برای استثمار و چنگ انداختن بر روی بازار تمامی هند، در راه فاشیستی کردن دولت هند کام بر می دارد. احیاء کری هندوئی برای متحقق کردن این هدف بعنوان ابزار ایدئولوژیکی بکار گرفته می شود. جدا از ظلم و سرکشیه کردن بی رحمانه طبقه کارگر، کاراکتر ملی مناطق کونا - کون و فرهنگهای اقلیمی ظالمانه سرکوب شده و اقلیتهای مذهبی در معرض اختناق و تعقیب و حشیانه قرار دارند. در نتیجه، تضادهای گوناگون جامعه هند بسیار حاد گردیده اند. نه تنها توده های کارگر بلکه ملیتهای مختلف و اقلیتهای مذهبی نیز خشم و نفرت خود را از حاکمان مرکزی به اشکال مختلف به -

این بدان معنی نیست که رهبری ناگز الباری بکلی بدور از ضعفها و کمبودها بود. بدون شك، رهبری ناگز الباری از ضعفهای تئوریک جدی ای رنج می برد و اشتباهات معینی مرتکب شد، بجای آنکه چنان اشتباهاتی را اپوشانی کنیم، باید یک برخورد صحیح انقلابی برای شناختن و از بین بردن آنان اتخاذ نمائیم. در این خصوص، ما باید برخورد ارائه شده توسط بیانیه جنبش انقلابی انترناسیونالیستی را دنبال کنیم.

اگرچه رهبری ناگز الباری در بحثهای جاری آن زمان جنبش بین المللی کمونیستی مواضع صحیح انقلابی اتخاذ کرد و راه رویزیونیستی پارلمانی را محکوم نمود و شدیداً این حقیقت که "قدرت سیاسی از لوله تفنگ بر می خیزد" را پذیرفته و مورد توجه قرار داد، اما رهبری ناگز الباری با وجود آنکه شرایط عینی جامعه هند را تحلیل کرد، قادر نگشت که خود را بطور کامل از شر ضعفها و چارچوب ادراکی اشتباه آمیز جنبش کمونیستی سنتی رها سازد. این امر به ظهور نارسائیهای جدی معینی در تئورین یک خط و استراتژی صحیح انقلابی متناسب با واقعیات عینی جامعه هند منجر گردید، و بدین وسیله

بسوی

مرحله نوینی از تندر بهاری



سندی از کمیته مرکزی بازسازی، حزب کمونیست هند (م.ل.)

متن زیر را کمیته بازسازی حزب کمونیست هند (م.ل.) در اختیار ما قرار داده است. مقدمه متن از نشریه "مس لاین" می باشد که یک روزنامه مارکسیستی - لنینیستی هند بوده و این متن را نیز منتشر کرده است. ج.ب.ف

اهمیت تاریخی ناگز الباری

بسیاری از مخالفان و تحریف کنندگان مبارزه ناگز الباری استدلال کرده اند که خود واقعه زمانی دارای اهمیت بود که با مبارزات بسیار دیگری که در هند رخ داده بود مقایسه میگردید، و اینکه عمدتاً آن مبارزه از این جهت برجستگی زیاد یافت که حزب کمونیست چین آن را مورد حمایت و تشویق علنی قرار داد. این سخن حقیقت دارد که حمایت علنی ح.ک.چ قدرتی به کل جنبش داد، و به برقراری اتحاد میان کادرهای انقلابی سراسر هند بسیار کمک نمود. اما این امر اهمیت خود واقعه را کم نمیکند؛ زیرا ح.ک.چ تنها بعد از تشخیص اهمیت تاریخی مبارزه، همانطور که در نقل قولهای بالا جعبندی شد، تصمیم به حمایت و تأیید آن گرفت. بنا بر این آنچه ما بایست بررسی کنیم، این است که آیا ارزیابی ح.ک.چ درست بوده یا نه.

اگر ما وسعت مبارزه، ماهیت برخورد، تعداد کشته ها و دستگیری ها و غیره و غیره را در نظر بگیریم، آنوقت مبارزه ناگزا - الباری در مقایسه با بسیاری دیگر از مبارزات هند، کوچک و بی اهمیت است. بدین خاطر است که رویزبو.

نیستها و اپورتونیستها نمیتوانند درک کنند که چرا ناگز الباری چنین اهمیتی تاریخی کسب کرد. آنها نمیتوانند بفهمند چگونه حتی یک واقعه کوچک، سمبل یک نقطه عطف تاریخی میگردد. آنچه واقعه آخر داد این بود که تمامی تاریخ معاصر هند در آن دوره در مبارزاتی متبلور گردید که در اطراف آن دهکده ناشناس و دور افتاده ناگز الباری تکوین یافت. تا آنجا که به تاریخ هند برمیگردد، سال ۱۹۴۷ یک سال مهم بود. در سال ۱۹۴۷ بود که بحران اقتصادی که از ۱۹۴۷ تکوین یافته بود به نهایت حدت خود رسید، و در نتیجه آن بی ثباتی سیاسی شدت بی سابقه ای یافت. از هر گوشه ای برای از سرگرداندن این بحران تلاش میشد. بعلاوه نفوذ سوسیال - امپریالیسم شوروی و تلاش برای یافتن موقعیت برتر در هند، تضاد میان طبقات حاکم را شدت بخشیده بود. تجلیات این بحران اقتصادی و سیاسی را میشد در تمامی بخشهای کشور مشاهده کرد. در میان مردمی که دارای آگاهی انقلابی بودند، این اندیشه که رهبری کمونیستی خیانت پیشه کرده در مقیاس وسیع در حال گسترش بود. در نتیجه، آنان این شهامت را یافتند بودند که به راهپاویز ارنوینی بیانندیشند. این امر جنبه خاصی نبود که تنها محدود به مناطق ویژه معینی باشد، بلکه این حقیقتاً

بیست سال از زمانیکه دهقانان ناگز الباری بپا خاستند و به ستم طبقاتی و خیانت رویزیونیستها، نه گفتند میگردد. دهقانان برای نیل به انقلاب دمکراتیک نوین، در این مبارزه سلاح بدست گرفتند و بدین ترتیب ضربه خرد کننده ای به رویزیونیستهای که در جنبش کمونیستی هند جا خوش کرده بودند وارد آوردند. ناگز الباری توجه مردم آگاه هند را بخود جلب کرد و پیامش در هر گوشه کشور طنین انداخت. مادر اینجا کزیده ای از سند تاریخی "بسوی مرحله نوینی از تندر بهاری" را با هدف روشن کردن اهمیت عظیم این خیزش دوران ساز میآوریم. این سند در کنفرانس سراسری کمیته مرکزی بازسازی حزب کمونیست هند (م.ل.) که در ژانویه ۱۹۸۲ برگزار گردید مورد بحث قرار گرفته و تصویب شد - سردبیر "مس لاین".

و تحکیم قدرت سیاسی واقعی خلق، درک جدیدی را سبب شده است. وضعیت امور در همه کشورهای سوسیالیستی سابق بما نشان داده است که تحکیم قدرت سیاسی مشکلتر از کسب آن توسط یک قدرت نظامی مناسب می باشد. تجربه نشان می دهد که درپروسه تحکیم قدرت سیاسی احیای سرمایه داری امری امکانپذیر می باشد. درپروسه تحکیم قدرت سیاسی، عامل تعیین کننده قابلیت و سطح آگاهی کارگران و دیگر گروه های رنجبر برای ادامه مبارزه طبقاتی علیه عناصر سرمایه دار است. تابیدن وسیله قدرت واقعی در سطح محلی، یعنی حتی در سطح کارخانجات، مزارع اشتراکی و کومنها در دست خود آنها حفظ گردد. این تجربه در مرحله ماقبل انقلابی نیز مناسبت دارد. این درک می تواند - و باید - مفهوم جدیدی به مبارزه - ایکه در اینجا (هند) در مرحله ماقبل انقلاب - جریان دارد بدهد تا بدین ترتیب قدرت سیاسی خلق در سطح محلی برقرار شود. از این گذشته، مفهوم سیاسی شعارهای انقلاب فرهنگی (ونگرش دیالکتیکی، منعکس در آنها) مانند "مبارزه طبقاتی را بمثابه حلقه کلیدی بدست گیرید"، "سیاست را در فرماندهی قرار دهید"، "انقلاب را در پیابید، تولید را بالا ببرید" و غیره، می تواند نقش مهمی نیز در مرحله ماقبل انقلابی علیه رویزیونیسم ایفا کند، بویژه در زمانیکه عوامل هندی تنگ -

شیاووپین منتهای تلاش خود را برای تقبیح مبارزه مسلحانه بعمل می آورده آنها به این منظور از هرنوع شعارهای اکتونومیستی و خط توده ای رویزیونیستی استفاده می کنند. پرچی که انقلاب فرهنگی بلند کردید مبارزه سازش ناپذیر علیه رویزیونیسم بود: و مبارزه علیه رویزیونیسم که امروز در همه جای دنیا در جریان است بر احکام درست آن انقلاب کبیر استوار است. همانگونه که رفیق چارومازومسدار اشاره کرد، انقلاب هند بعد از آغاز انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریایی چین در مرحله نوینی از انقلاب جهانی روی میدهد. انقلاب هند بدون جذب درسهای درست انقلاب فرهنگی و حمایت از آن نمی تواند گامی به پیش بردارد.

مبارزه ایدئولوژیکی علیه نوع آلبانیایی رویزیونیسم نیز یک عامل مهم در این رابطه است. رهبری آلبانی با قبول نکردن وجود تضادهای طبقاتی آنتاگونیستی در یک کشور سوسیالیستی، یک موضع ایدئو -

دارد - اما مارکسیست - لنینیستهای اصیل که تمام احکام صحیح انقلاب فرهنگی را قبول داشته و با رهبران سوسیالیسم در چین ستگیری می کنند می توانند چنین مزخرفاتی را قبول نکنند. حمایت یکدلانه ح.ک.چ از مبارزه ناگزیر الباری بر پایه ارزیابی درستی از اوضاع ملی و بین المللی بود. این ارزیابی به کمک اصول راهنمای مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسه دون انجام شده بود.

پایه ایدئولوژیکی

در هند، مبارزه ناگزیر الباری و رشد جنبش انقلابی متعاقب آن امکانپذیر بود. زیرا انقلابیون کمونیست فعالان در مبارزه ایدئولوژیکی در سطح بین المللی شرکت کردند. شرکت آنان در این مبارزه که بوسیله مائوتسه دون علیه رویزیونیسم خروشچی آغاز و رهبری شد، شدیدتر از آنکه بود و آنها در موضوعهای مورد مشاجره ست - گیری کردند. از طریق این مبارزه بود که انقلابیون کمونیست هند قادر گردیدند با رویزیونیسم که در جنبش کمونیستی هند جاخوش کرده بوده، نبرد کنند. مبارزه ایدئولوژیکی در سطح بین المللی بدینجا خاتمه نیافت. این مبارزه در انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریایی ابعاد جدیدی بخود گرفت. بدین ترتیب جنبش بین - المللی کمونیستی به فرمولبندیهای جدیدی درستی از تئوری و عمل مبارزه طبقاتی تحت دیکتاتوری پرولتاریا دست یافت که مهمترین جزء تشکیل دهنده اندیشه مائوتسه دون است. بعلاوه، در خود چین این مبارزه به سطوح نوینی تکامل یافت. مبارزه ایدئولوژیکی که در سطح بیسن - المللی علیه رویزیونیستهای نوین در چین (که رهبریت حزب و دولت را بعد از مرگ مائو غصب کردند) آغاز شد سطح ایدئو - لوژیکی جنبش بین المللی کمونیستی را به مدارج عالیتر جدیدی ارتقا داد. تحت حمایت و هدایت رویزیونیستهای نوین - چین، رویزیونیستهای نوین هندی نیز اخیراً جهت تخریب جنبش انقلابی کاملاً فعال گشته اند. بنابراین، انقلاب هند تنها می تواند با پیوند مبارزه علیه رویزیونیستهای چینی در سطح بین المللی با مبارزه علیه عوامل آنان در هند بجلو حرکت کند. انقلاب فرهنگی در چین و تحولات متعاقب آن در رابطه باپروسه برقراری

یک پدیده سراسری بود. مبارزه ناگزیر - الباری پیامد این موقعیت تاریخی بود که گام به گام رشد کرده بود. این مبارزه پاسخ مناسب به این سؤال سوزناک بود که راه صحیح رهائی خلق هند چیست: پاسخی از سوی تاریخ واقعی هند، جوابی به مسائلی که خود آن مطرح کرده. همین مناسبت تاریخی است که ناگزیر الباری را به مقام مهمترین واقعه تاریخ معاصر هند رساند. بدین ترتیب مبارزه ناگزیر الباری در رابطه نزدیک با موقعیت تاریخی ویژه، که در ۱۹۶۷ در هند پخته شده بود، بوجود آمده و تکامل یافت.

تحولات جنبش بین المللی کمونیستی نیز اهمیت مبارزه ناگزیر الباری را افزونتر ساخت. مبارزه علیه رویزیونیسم در جنبش بین المللی کمونیستی در آن زمان بسیار حیاتی گشته بوده. در مبارزه علیه رویزیونیسم بین المللی، رشد جنبشهای رهائی بخش کشورهای مستعمره و نیمه - مستعمره عاملی با اهمیت تعیین کننده می باشد. هند از هر جهت در میان چنین کشورهای دارای جایگاه حیاتی است. در هند جایگه رویزیونیسم برای دوره ای طولانی سلطه داشت. آن نیروهای انقلابی راستینی که کوشیدند تا با درهم شکستن قیود رویزیونیسم، راه مبارزه مسلحانه را کشف کنند، بطریق عظیمی به مبارزه جهانی علیه رویزیونیسم کمک نمودند. دقیقاً بدین خاطر است که حزب کمونیست چین، که (بواسطه رهبری این جنگ سازش ناپذیر علیه رویزیونیسم) به مقام رهبری جنبش بین المللی کمونیستی رسیده بود، مبارزه ناگزیر الباری را تأیید و حمایت نمود. همچنین بدین جهت است که مارکسیست لنینیستها و دیگر نیروهای انقلابی جهان از آن الهام گرفتند.

از زمان مرگ مائو، در برتو تحولات جدید در جنبش بین المللی کمونیستی بحثی از سوی برخی محافل مطرح گشته که گویا حمایت بی قید و شرط ح.ک.چ از مبارزه ناگزیر الباری در نتیجه گرایش نحرافی "چپ" بود که سراسر دوره ا.ک.ف.پ (انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریایی) در چین سلطه داشت. البته طرفداران این تئوری دنباله روان رهبری رویزیونیستی کنونی چین هستند، همان رهبرانی که تمام احکام صحیح ا.ک.ف.پ را در سطح تئوری و عملی بالکل واژگون کردند. و این بحث با ایدئولوژی کنونی آنها مبنی بر ممانعت از رشد مبارزه مسلحانه همخوانی

لوژیکی بسیار مشابه باموضع رویزیونیسم خروشچی اتخاذ کرد. بدین خاطر است که آنها به همان روش رویزیونیستهای شوروی با ا.ک.ف.پ.ج مخالفت می ورزند. خلاصه، خط راهنمایی برای ارزیابی و جمع بندی ما از گذشته باید جوهر انقلابی مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسه - دون باشد که بر زمینه مبارزه ایدئولوژیکی جاری در سطح بین المللی علیه رویزیو- نیستهای چین و آلبانی سربلند کرده است.

ارزیابی از ناگزالباری

رفیق چارومازومدار سعی کرد این درس را در مقاله اش "یکسال بعد از ناگزالباری" جمع بندی نماید. او در آن مقاله نوشت "اگر جنبش دهقانی ناگزا - لباری درسی برای ما دارد، این است: مبارزات رزمنده باید نه برای زمین، غلات و غیره، بلکه برای گرفتن قدرت دولتی پیش برده شود." از تحلیل ماهیت خود مبارزه ناگزالباری ما به این نتیجه رسیده بودیم که همه فعالیتها در طول آن مبارزه در اطراف برقراری کمیته های انقلابی دهقانان بمثابه مراکز واقعی قدرت سیاسی خلق تمرکز یافتند. اما این قدرت سیاسی بوسیله عملی کردن تصمیمات کمیته ها در خصوص بسیاری مسائل اقتصادی پایه ای مانند تقسیم زمین و دارائیها به واقعیت کنکرتی تبدیل شد. بدون چنین تدابیر کنکرتی قدرت سیاسی هیچ معنایی ندارد و صرفاً یک عبارت مجرد و توخالی خواهد بود. بنابراین مبارزه برای قدرت سیاسی و خواستهای اقتصادی دوجنبه بنیادی هر مبارزه انقلابی هستند. سؤال در این رابطه چنین است: از میان این دوجنبه کدام عمده است؟ مارکسیست - لنینیستهای راستین بدون ابهامی با قاطعیت خواهند گفت تا زمانی که مبارزه طبقاتی ادامه دارد مبارزه برای قدرت سیاسی جنبه عمده را تشکیل میدهد. در تاریخ جنبش کمونیستی هند ابهام بر سر این مسئله همیشه مورد استقاده رویزیو- نیستها در جهت منحرف کردن مبارزات انقلابی قرار گرفته است. فوقاً در رابطه با مبارزه "تلن گانا" به این مطلب اشاره شد. بر این بستودرهم شکستن دیدگاه رویزیونیستی و برقراری استوارانه مبارزه برای قدرت سیاسی که در درجه نخست اهمیت قرار دارد مطلقاً اساسی است و عظمت ناگزالباری دقیقاً پایه درموضع

بدون ابهامی که انقلابیون تحت رهبری رفیق چارومازومدار بر مسئله قدرت سیاسی اتخاذ کردند، دارد. اما علیرغم آنچه گذشت، رفیق چارومازومدار بجای بوجود آوردن رابطه دیالکتیکی میان مبارزه برای قدرت سیاسی و دستاوردهای اقتصادی یکی را در مقابل دیگری قرار داد و تأکیدیک جانبه بر مبارزه برای قدرت سیاسی نمود. این اشتباه با سماجت باقی ماند و در سالهای بعد حتی در ابعاد بزرگتری بخود گرفت و پایه ای برای درک دکماتیستی از مسئله قدرت سیاسی و روییک جانبه

دیگر اشکال مبارزه و تشکلات گردیده جمع بندی مناسب باید چنین باشد "مبارزات رزمنده باید نه صرفاً برای زمین، غلات و غیره، بلکه عمدتاً برای کسب قدرت سیاسی پیش برده شود." زیرا آنها این جمع بندی به مایک دید دقیق از مبارزه واقعی ناگزالباری می دهد.

ضعفها

علیرغم خط راهنمای سیاسی درست، مبارزه ناگزالباری متحمل یک عقب کرد

در بیستمین سالگرد

مبارزه ناگزالباری

کمیته مرکزی بازسازی، حزب کمونیست هند (م.ل.)

دو رابعنوان ایدئولوژی راهنمای کمونیستهای هند تثبیت کرد، و مرحله انقلاب هند که انقلاب دمکراتیک نوین و راه انقلاب که جنگ خلق باشد را معین کرد، نقش دهقانان را بمثابه نیروی محرکه انقلاب به پیش کشید، و برای ادغام درسهای انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریایی چین با وظایف شخص انقلاب هند جدوجهد بعمل آورد. تأکید بر وظایف ضد فئودالی در خط سیاسی حزب، به آن صورتی که کنگره حزب در سال ۱۹۷۰ بنانهاد، در طول دوده گذشته سبب مبارزات رزمنده دهقانی بسیاری در بخشهای مختلف کشور گردید. با این حال تجربیات مکرر نشان میدهد که این مبارزات نتوانستند از حد منطقه نسبتاً کوچک و ایزوله بیرون بیایند، مناطقی که در آنجا نیروهای فئودال بطور محلی سلطه داشته و مبارزات نتوانستند حتی در این مناطق به سطوح بالاتری صعود کنند. از سوی دیگر، در طول سالهای اخیر، بخشها

اکنون بیست سال از آغاز مبارزه تاریخی ناگزالباری می گذرد، مبارزه ای که در ۲۲ آوریل ۱۹۶۹ به تأسیس این حزب تحت رهبری رفیق چارومازومدار منجر شد. زمانی که ما به عقب، به تجربه غنی این بیست سال گذشته که بوسیله جنبش مارکسیستی - لنینیستی هند جذب گردیده نگاه می کنیم، می توانیم تجربیات مثبت و منفی را ببینیم، تجربیاتی که درک صحیح آن در پیشبرد هدف انقلاب در هند ما کمک خواهد کرد.

مبارزه ناگزالباری و در پی آمد آن تشکیل ح.ک.ه. (م.ل.) ضربه سنگینی بر نیروهای رویزیونیسم و پارلماناریسم که در جنبش کمونیستی هند جاخوش کرده بودند وارد آورد و بدین ترتیب نیروی تازه ای جهت رشد نیروهای انقلابی سراسر کشور به ارمغان آورد. ح.ک.ه. (م.ل.) تحت رهبری رفیق چارومازومدار مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسه -

طولانی، طراحی کنند. زیرا آنها بطور جدی درباره امکان وجود مراکز دوگانه قدرت در روستاها برای مدتی طولانی فکر نکرده‌اند. بدون خط سیاسی برپا کردن مراکز قدرت خلق بموازات مراکز قدرت موجود دشمن و بتدریج فائق آمدن بردومی از طریق یک مبارزه طولانی برنامه ریزی شده، مفهوم برقراری قدرت سیاسی در سطح محلی نمی تواند هرگز تحقق یابد و سرانجام به گرفتن قدرت در روستاها منتهی شود.

طی هر دوره چرخش تاریخی در هر کشوری، برخی شخصیت‌های تاریخی ظهور می کنند که در تحول تاریخی آن دوره نقش رهبری کننده ایفا می نمایند. این حقیقت دارد که توده‌ها سازندگان تاریخ می باشند، اما همان توده‌ها رهبران خود را نیز برمی گزینند، رهبرانی که می توانند اراده و امیال آنان را نمایندگی کرده و همان توده‌ها را در عملی کردن مقاصدشان رهبری نمایند. یعنی اینکه آنها رهبران خود را نیز می سازند. بدینگونه آن رهبر، سمبل آگاهی اجتماعی اکثریت مردم در آن دوره می شود. همان اکثریتی که فعالانه درگیر در گزینش انقلابی آن دوره می باشد. تا آن حدی که این رهبر بتواند اراده سیاسی اکثریت مردم را نمایندگی کرده و بیان کند، او طبیعتاً به اتوریته جنبشی پذیرفته خواهد شد که مردم را در آن گرهگاه بحرانی رهبری می کنند. اتوریته انقلابی لنین و ماشو بدین طریق ظهور یافت و برقرار شد. البته هند از چنان چرخش حاد تاریخی که در آن تغییری انقلابی تمام کشور را فرا گیرد نگذشته است. اما ما باید این واقعیت را بپذیریم که هند می رفت تا با مبارزه ناگزیر الیاری، به چنان دوره ای تاریخی بگذرد. گرچه رشد و تکامل بیشتر جنبش با موانع بسیاری مواجه گردید و تا حد بسیاری از حرکت بازماند، اما نمی توانیم این واقعیت را انکار نمائیم که مبارزه ناگزیر الیاری تغییری کیفی در تکامل تمامی تاریخ هند بوجود آورد. بدین خاطر، رفیق چارومازومدار که نقش رهبری کننده را در هدایت آن مبارزه ایفاء نموده تا آنجائی که به انقلاب هند بر میگردد، یک شخصیت تاریخی و صاحب اتوریته محسوب می شود. مقام والای رفیق چارومازومدار بطور تصنعی شکل نگرفت، بلکه در پروسه تاریخ تکوین یافت.

ضعف جنبش در آن مرحله است که منجر به عقبگرد موقت شد. در اینجایباید اشاره نمود که فقدان مفهوم جنگ طولانی مدت نیز به چنین عقبگردی کمک کرد. اکنون از آنجائیکه در طول چند سال گذشته تجربه بیشتری اندوخته ایم، می توانیم موضوع را عمیقتر کاوش کنیم. زمانیکه به عقب نگاه می کنیم می توانیم ببینیم انقلابیون کمونیستی که مبارزه ناگزیر الیاری را رهبری می کردند، نتوانستند یک برنامه کامل و کنکرت برای برقراری مراکز قدرت متوازی و تداوم آنها برای مدتی

موقت در آن ناحیه گردید، با این وجود سیاستهای آن پیروزمندان در سراسر هند گسترده شد. دلایل این عقبگرد موقت چه بود؟ "گزارش ترائی" دلایل آنرا بدین ترتیب جمع بندی کرد: "فقدان یک سازمان حزبی نیرومند، درماندگی در تکیه یکدلانه بر توده‌ها و ساختن پایسه توده ای قدرتمند، فقدان درک درست از امور نظامی، تفکر بر پایه خطوط کهن و یک شیوه برخورد تشریفاتی نسبت به برقراری قدرت سیاسی و کار فرم ارضی انقلابی." بطور کلی این یک ارزیابی درست از



روز حزب

و سیعی از روستاهای هند شاهد ظهور و گسترش نوع دیگری از مبارزات کشاورزان و دهقانان که عمدتاً علیه مرکز معطوف بود، گردید.

مبارزات ضدستم ملی که در حال گسترش به مناطق مختلف است، به یکی از مهمترین تحولات سیاسی چند سال گذشته هند تبدیل گردیده است. حتی منطقه دارجلینگ که مبارزه ناگزیر الیاری را متولد ساخت، اکنون شاهد مبارزه مردمان ملیت کورکا می باشد. برخی از این مبارزات که طبقات حاکم سراسر هند را علناً به مصاف می طلبند و موجودیت دولت تحمیل شده مرکزی را بطور جدی مورد تهدید قرار داده اند، منجر به فاشیستی کردن فزاینده ماشین دولتی مرکزی گردیده است.

تمام این تحولات تشکیلات ما را مجبور به فورموله کردن مجدد استراتژی سیاسیمان نمود که منجر به اتخاذ جهتگیری

سیاسی جدید در پلنوم سراسری هند در مه ۱۹۸۵ گردید. صحت توصیف پلنوم از هند بعنوان یک کشور، نوستعمسره و تشخیص اهمیت مسئله ملی با این نتیجه که انقلاب دمکراتیک نوین دهند تنها می تواند بعنوان مجموعه ای از انقلابهای دمکراتیک نوین فرماسیونهای ملی مختلف کامل گردد، روز با وقوع تحولات در سراسر هند اثبات می شود.

تحت چنین شرایطی پیشبرد امر انقلاب هند تنها می تواند با تعمیم در کمان از موقعیت هند و برقرار کردن آن در سطح سیاسی و ایدئولوژیکی و انتقال آن به عرصه عمل انقلابی بانجام برسد. بازسازی حزب و وحدت نیروهای انقلابی نیز تنها می تواند با پیشروی در این راه میسر گردد. عزممان را برای پیشروی استوارانه جزم کنیم و هر چه را خواستار برای نبرد بشتابیم.

۲۲ آوریل ۱۹۸۷